

دکتر احمد به پژوه

مقدمه

بی‌شک خانواده، مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد تربیتی جامعه است و نخستین آموزشگاه و پرورشگاه فرد محسوب می‌شود. از این رو بیان هرگونه سخنی دربارهٔ تربیت کودک، نوجوان و جوان، بدون توجه به نقش حیاتی خانواده، سخنی نادرست و ناتمام قلمداد می‌گردد. یک خانوادهٔ سالم و پویا، خانواده‌ای است که میان اعضای آن، به ویژه میان والدین و فرزندان، رابطه‌ای انسانی و سالم حاکم است. مادران و پدران توانا کسانی هستند که از دانایی‌ها و مهارت‌های لازم برخوردارند. بخشی از دانستی‌های ضروری برای والدین، دانش‌های مربوط به برقراری رابطهٔ انسانی با فرزندان است. هر یک از شما خبرهای تکان دهنده‌ای در صفحهٔ حوادث روزنامه‌ها دربارهٔ مشکلات والدین و نوجوانان خوانده و یا دربارهٔ آن شنیده‌اید. به نظر شما علت چیست؟

- عدم آگاهی والدین نسبت به نقشها و وظایف خود؟

- عدم توجه مادران و پدران به روان‌شناسی نوجوان؟

- تکرار کورکورانهٔ روشهای تربیتی نادرست؟

- عدم توانایی در برقراری رابطه با نوجوان؟

صنعتی شدن و شهرنشینی، ساختار خانواده را دچار تحول کرده و نیازها و انتظارات جسدیدی آفریده است. بزرگترین مشکل انسانها، فقر ارتباط و ناهماهنگی میان والدین و فرزندان و همچنین میان فرزندان و والدین



اصول برقراری رابطهٔ انسانی با نوجوانان

مرحله اول یا آغاز نوجوانی، از دوازده تا پانزده سالگی و مرحله دوم یا پایان نوجوانی، از پانزده تا هجده سالگی است. بدین ترتیب دوره آموزشی راهنمایی تحصیلی مقارن با مرحله اول نوجوانی و دوره دبیرستان با مرحله دوم نوجوانی همزمان است. شاید دوره نوجوانی آخرین مرحله رشد فرزندان باشد که والدین باید فعلاً آن را یاری کنند تا مسیر زندگی خویش را بیابند و خود را بشناسند. زیرا پس از این دوره، نوجوان با به دوره جوانی می‌گذارد و به تدریج وارد دنیای مستقلی می‌شود. در این شرایط هم جوان و هم والدین باید آمادگی‌های لازم را کسب کنند تا جوان بتواند به خود رهبری و خوداتکایی نایل گردد.

در فرایند تعلیم و تربیت و رشد، یکی از اثربخش‌ترین روشها، برقراری رابطه انسانی با نوجوان و حفظ و تأمین عزت نفس و احساس خودارزشمندی نوجوان است. بنابراین اگر نوجوان را باور می‌کنید و می‌پذیرید که داشتن یک رابطه خوب و انسانی، مقدماتی‌ترین و ضروری‌ترین مرحله کار با نوجوان است، رعایت اصولی که در دو قسمت به اختصار از نظر شما خواهد گذشت، کمک می‌کند تا بتوانید میان خود و فرزندان رابطه مطلوب را برقرار کنید. هر یک از این اصول می‌تواند چون قاعده و یا "سرنخی" شما را هدایت کند و به اندیشیدن و ارزیابی در باره رابطه خود با فرزندان دعوت نماید.

در این مقاله سعی شده است پس از بحث مختصری درباره ضرورت آموزش والدین، بیست اصل برقراری رابطه انسانی با نوجوان، به زبان ساده، فشرده و قابل فهم عرضه گردد که امید است مورد استفاده مادران و پدران،

است. امروزه دیگر، خانواده به تنهایی ناقل میراث فرهنگی نیست، بلکه جامعه از طریق رسانه‌ها و مدرسه این نقش را به طور ظریف، عمیق و همه جانبه ایفا می‌کند.

به نظر نگارنده، مهم‌ترین قدم در فرایند تعلیم و تربیت، آشنا کردن پدران و مادران به اصول و روشهای برقراری رابطه انسانی با فرزندان است. در دوره دبیرستان، به طور معمول با فرزندان روبرو هستیم که مرحله دوم دوره نوجوانی را طی می‌کنند. از این رو آشنایی دقیق با روان‌شناسی نوجوانی یک ضرورت حیاتی است. مهم‌ترین نکته‌ای که پدران و مادران در دوره نوجوانی باید به آن توجه کنند، این است که با نوجوان نباید مانند یک کودک رفتار کرد، زیرا نوجوان نه کودک است و نه بزرگسال. هنگامی که فرزند ما دوره کودکی را طی می‌کند و به دوره نوجوانی قدم می‌گذارد، در واقع وارد یک دوره بحرانی می‌شود. در برخی تمدنها و فرهنگها، تشریفات به نام "آیین‌گذر" وجود دارد که چند ساعت یا چند روز به طول می‌کشد و مشخص می‌شود که کودک به حد بلوغ رسیده و وارد دوره بزرگسالی شده است. اما در حال حاضر با پیچیده شدن زندگی، مرز بین کودکی و بزرگسالی نامشخص است. فراهم کردن فرصتهایی مانند اجازه رانندگی، اجازه ازدواج، دادن رأی و انجام خرید و فروش، نشانه به رسمیت شناختن حقوق بزرگسالان برای نوجوانان است، ولی هیچ یک از این حقوق به درستی تضمین نمی‌کند که نوجوان آمادگی‌های لازم را کسب کرده است (کلمز و همکاران، ۱۳۷۳).

به طور معمول، دوره نوجوانی (دوازده تا هجده سالگی) را به دو مرحله تقسیم می‌کنند.

اگر به سلامت و رشد و شکوفایی همه جانبه شهروندان یک جامعه فکر می‌کنید، باید به سلامت خانواده‌ها بیندیشید. همچنین اگر به سلامت جامعه فکر می‌کنید باید به سالم‌سازی خانواده‌ها بیندیشید. از این‌رو در آموزش پدران و مادران، یک هدف عمده تعقیب می‌شود و آن هم، "سالم‌سازی خانواده" است.

مسائل نوجوانان و جوانان یک جامعه از جنبه‌های گوناگون دارای اهمیت است. اما مسأله برقراری رابطه میان والدین و آنان از اهمیت بیشتری برخوردار است. نوجوان در حال گذر از دوران کودکی به دوران بزرگسالی است و نوجوانان و جوانان، سرمایه‌های واقعی جامعه را تشکیل می‌دهند. بنابراین اساس هرگونه برنامه‌ریزی و رفتار با نوجوان، شناخت واقعی نوجوان است.

از سوی دیگر نوجوان در این دوره به ارزیابی و بازنگری روابطش با والدین می‌پردازد. ممکن است نتیجه ارزیابی نوجوان از والدین که زمانی "قهرمان" او محسوب می‌شده‌اند، اکنون منفی و نامطلوب باشد. نوجوان گاهی والدین خود را با دیگران مقایسه می‌کند و در نتیجه به برخی از ضعفها و کاستی‌ها پی می‌برد. این وضعیت ممکن است سبب ناامنی و خشم نوجوان شود و در نتیجه نوجوان به والدینش پرخاش کند و عقاید و سبک زندگی آنها را رد کند. در این شرایط نوجوانان نیز نیاز به آموزش دارند تا بدانند که شیوه برقراری رابطه با والدین چگونه است. همچنین نوجوانان باید آگاهی‌های لازم درباره پذیرش واقعیتها، ویژگیهای فرهنگی و شرایط اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی را کسب کنند. در هر حال باید به فرزندان یادآور شوید که

معلمان و مربیان گرامی قرار گیرد.
یادآور می‌شود که بخش دوم این مقاله ان‌شاءالله در شماره آینده پیوند از نظر گرامی خوانندگان محترم خواهد گذشت.

آیا والدین به آموزش نیاز دارند؟

خداوند متعال به صراحت در قرآن مجید می‌فرماید: "آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابر هستند؟" (سوره الزمر، آیه ۹). بدیهی است که دانایان با نادانان برابر نیستند. هیچ پدر و یا مادری خود به خود نمی‌تواند پدر و یا مادر موفقی بشود و نوجوان خود را آن طور که هست بشناسد، او را درک کند و با او رابطه درست برقرار نماید، مگر اینکه دانایی‌های ضروری را کسب کند (توانایی، در دانایی است). علت اصلی شکست پدران و مادران در تعلیم و تربیت فرزندانشان، عدم شناخت کودکان و نوجوانان است.

والدینی که دارای فرزند دبیرستانی هستند (سنین پانزده تا هجده سال)، با مسائل گوناگون روبرو می‌شوند. بخش عمده‌ای از این مسائل، از عدم برقراری رابطه انسانی با نوجوان ناشی می‌شود. نوجوان در مرحله خاصی از گستره رشد به سر می‌برد و باید با شناخت و آگاهی با او برخورد کرد. پژوهشهای متعدد نشان داده است که هر قدر والدین داناتر و آگاهتر باشند، با مشکلات کمتری روبرو می‌شوند. از سوی دیگر خانواده‌هایی که نسبت به نقشها، وظایف و مسؤولیتهای خود بیشتر آگاهی دارند، بهتر می‌توانند با فرزندانشان رابطه برقرار کنند و دوره حساس و پرنانرژی نوجوانی را به طریق مطلوب هدایت نمایند.



بسیار می‌دهند: "صلاح نیست" و یا "نمی‌توانیم". نوجوان دلیل می‌خواهد و می‌پرسد چرا صلاح نیست؟ چرا نمی‌توانید؟ در این شرایط باید صمیمانه و مستدل با او صحبت کرد و درآمد واقعی و هزینه‌های واقعی خانواده را برای او تشریح کرد و توضیح داد تا او متقاعد شود. از سوی دیگر نوجوان باید صبر کردن را بیاموزد و در زندگی خانوادگی با برنامه‌ریزی، بودجه‌بندی و اولویت‌ها آشنا گردد. از این‌رو نباید انتظار داشته باشد که هر چه تقاضا کرد یا خواست، بی‌درنگ در اختیار او قرار گیرد. نوجوان باید صبر کردن را یاد بگیرد، موانع را بشناسد، با ناملایمات و مشکلات دسته و پنجه نرم کند و یاد بگیرد که چگونه با وضع موجود کنار بیاید (پیل، ۱۳۷۵).

برای اینکه نوجوان با واقعیت‌های تلخ و شیرین زندگی به تدریج آشنا شود، باید در دنیای واقعی و شرایط طبیعی آموزش ببیند و تربیت شود. در این باره جمله معروفی است که

بهترین و امین‌ترین کسانی که می‌توانند به او کمک کنند و مشاور او باشند، پدر و مادر هستند.

اصل آماده‌سازی نوجوان برای زندگی در دنیای واقعی

یکی از مهم‌ترین هدف‌های تعلیم و تربیت در تمام سطوح، چه رسمی و چه غیررسمی، در خانه، مدرسه و جامعه باید آماده‌سازی فرد برای زندگی در دنیای واقعی باشد. برای این منظور باید فرزند نوجوانان را با واقعیت‌های تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی آشنا کنید و آموزشی به او بدهید که او را برای زیستن در این دنیا آماده کند.

"آموختن برای زیستن" باید هدف همهٔ معلمان و مربیان باشد. گاهی اوقات، نوجوانی تقاضایی از پدر و مادر می‌کند و بدون دلیل با مخالفت روبرو می‌شود. برای مثال نوجوانی دوچرخه و یا کامپیوتر می‌خواهد و پدر و مادر

معصومین صلوات الله عليهم اجمعین را مطالعه کنند و بدان عمل نمایند، منظور این است که شیوه رفتار آنها را در زندگی عملی، الگو و سرمشق قرار دهند. از این رو کودک و نوجوان نخست مادر و سپس پدر خود را سرمشق قرار می دهند و بر حسب جنسیت کودک و سن او، تأثیر پدر و مادر متفاوت است. بدیهی است به طور کلی دختر با مادر و پسر با پدر همانندسازی می کنند. بنابراین فقدان پدر در پسرها، به ویژه فرزندان شاهد، تأثیرهای نامطلوبی بر شخصیت و سازگاری اجتماعی پسران نوجوان به جا می گذارد.

شایان ذکر است که یکی از علل ناهنجاریهای اجتماعی و بزهکاری، الگوبرداری نادرست است. نوجوان در این دوره بیش از حد تحت تأثیر دوستان و همسالان و افراد با نفوذ است. چنانچه خانه، مدرسه و جامعه (به ویژه از طریق رسانه ها) الگوهای نادرست در اختیار او قرار دهند، فرایند الگوبرداری نوجوان به طریق نامطلوبی صورت خواهد گرفت. گاهی اوقات برادر بزرگتر و یا خواهر بزرگتر در خانواده و یا یک همکلاسی موفق و جسور در مدرسه می تواند برای نوجوان به عنوان یک قهرمان و الگو قلمداد گردد.

به شما والدین گرامی توصیه می شود که سعی کنید در قدم اول با رفتار و اعمال خود، الگوهای شایسته ای برای فرزندان باشید. در قدم دوم سعی کنید فرزند نوجوان خود را با الگوهای شایسته دیگر مانند معلمان موفق، نویسندگان، دانشمندان و هنرمندان آشنا کنید و درباره زندگی و خصصتهای مردان و زنان بزرگ با آنها صحبت کنید. از این رو اگر من و شما به

می گوید: "گلهایی که در گلخانه پرورش می یابند، زود پریز می شوند". منظور این است که تعلیم و تربیت باید در دنیای واقعی و طبیعی صورت گیرد، نه در یک محیط محصور، قرنطینه و غیرواقعی. زمانی که فرزندان را در یک محیط گلخانه ای تربیت می کنید، میزان آسیب پذیری او بالا می رود و از واقعیت های جامعه دور می شود. پدر و مادر اجازه ندارند نوجوان را در دنیای خیالی و رؤیایی تربیت کنند و یا خدای ناکرده او را فریب دهند و یا اغفال کنند. برای مثال در مواردی مانند شغل پدر، میزان درآمد خانواده، وضعیت تولد (مسأله فرزند خواندگی)، فوت پدر و مادر و نظایر آن قبل از اینکه فرزندان حقیقت را از زبان شخص دیگری بشنود و کاخ باورهایش فرو ریزد، شما خودتان سعی کنید با زمینه سازی و ایجاد آمادگی های لازم، به تدریج، به زبان ساده، مختصر، محرمانه و صمیمانه واقعیت ها و حقایق زندگی خانوادگی را با او در میان گذارید، تا بدین ترتیب اعتماد و اطمینان نوجوان حفظ شود. در صورت لزوم می توانید با یک فرد متخصص مانند روان شناس و یا مشاور به مشورت پردازید.

اصل الگوبرداری و همانندسازی

بی شک الگوبرداری و همانندسازی از مهم ترین و اثربخش ترین روشهای یادگیری و اجتماعی شدن کودک و نوجوان به شمار می رود. نوجوان از طریق همانندسازی با بزرگترها، ستاره های هنری و چهره های درخشان علمی، ورزشی، تاریخی و مذهبی یاد می گیرد که چگونه رفتار کند. اگر در اسلام توصیه می شود که مسلمانان سیره ائمه

با نوجوانان صادق باشد و بتواند اعتماد آنان را به سوی خود جلب کند. از این رو کسانی که در خانواده، مدرسه و جامعه به عنوان الگو محبوب کودکان و نوجوانان محسوب می‌شوند، باید سعی کنند در عمل و رفتار با آنان رابطه انسانی برقرار کنند، نه در حرف و گفتار!! زیرا در مکتب مقدس اسلام، سخن از تعلیم و تربیت فلسفی و نظری نیست، بلکه تعلیم و تربیت عملی مورد نظر و تأکید است.

اصل ایجاد امنیت روانی

خانواده مهم‌ترین کانون تأمین‌کننده نیازهای جسمانی و روانی فرد است و تمام تلاش پدران و مادران مسؤول و آگاه باید بر این اصل مبتنی باشد که فضای خانه و خانواده سرشار از امنیت، محبت و آرامش باشد. هر یک از اعضای خانواده شما به ویژه فرزندانان باید در خانه احساس امنیت روانی کنند و کانون خانواده را بهترین و امن‌ترین پناهگاه بدانند.

اگر نوجوانی اشتباهی کرد و یا کار نادرستی انجام داد، هیچ‌گاه نباید به او گفت: "دوست ندارم"، "تو دیگر پسر یا دختر من نیستی"، "من دیگر مادر یا پدر تو نیستم" و یا به طرق گوناگون او را سرزنش و تحقیر کرد. این گونه برخوردها و بیان این قبیل جمله‌ها، هیچ کمکی به اصلاح رفتار او نمی‌کند، بلکه موجب سرخوردگی و مختل شدن امنیت روانی نوجوان می‌شود و سلامت روانی او را به خطر می‌اندازد. در مقابل، باید علل نادرستی آن رفتار را در فضایی محرمانه و صمیمانه برایش توضیح دهید و بگویید: "چرا این رفتار درست نیست و دلایل آن کدام است؟" در هر حال توصیه می‌شود بین خود و فرزند نوجوانتان رابطه‌ای

عنوان مادر، پدر، و یا "معلم - مربی" توانستیم با مجهز شدن به دانشهای لازم و تزکیه نفس، با نوجوانان درست رفتار کنیم، آنها هم درست رفتار می‌کنند. زیرا فرزندان ما در درجه اول محصول خانواده هستند و به قول مولوی:

این جهان کوه است و فعل ما ندا
سوی ما آید ندهاها را صدا
نوجوان در گستره رشد خویش با الگوهای پیرامون خود، همانندسازی یا همسان‌سازی می‌کند. این فرایند به او کمک می‌کند تا با محیط پیرامون خود سازگاری نماید و هنجارها، قواعد و ارزشهای حاکم بر خانواده و جامعه را فرا گیرد. کودک و نوجوان در فرایند رشد، پدر و مادر خود را به عنوان قهرمان مورد تحسین و الگو قرار می‌دهد و تلاش می‌کند رفتارهای گوناگون را از آنها تقلید نماید. در این فرایند چنانچه رابطه مادر و پدر با فرزند یک رابطه سالم، امن و پذیرا باشد، بی‌شک تأثیرپذیری فرزندان از پدر و مادر بیشتر و بیشتر خواهد بود. به بیان دیگر نوجوانی پدر خود را الگو قرار می‌دهد که او را دوست بدارد و در کنار او احساس آرامش کند. در مقابل، اگر نوجوانی در کنار پدر و مادر احساس ناامنی و اضطراب کند، در الگو قراردادن والدین خود دچار شک و تردید و تعارض می‌شود. زیرا این گونه والدین، کسانی هستند که فرزندشان را سرزنش، تنبیه و تحقیر می‌کنند. در چنین شرایطی نوجوان دچار تعارض و کشاکش روانی می‌شود که آیا پدر را الگو قرار دهد، یا نه؟ در نتیجه، هسته اضطراب در درون نوجوان شکل می‌گیرد و بعدها به صورت ناهنجاریهای رفتاری بروز می‌کند. نکته قابل تأکید این است که کسی می‌تواند به عنوان الگوی شایسته برای نوجوانان انتخاب شود که

اجتماعی در شهر شیراز به بررسی مشکلات نوجوانان دبیرستانی پرداخته‌اند. این پژوهشگران گزارش کرده‌اند که بیشترین مشکلات نوجوانان دختر و پسر به شرح زیر است:

- والدینم به من اعتماد ندارند: ۶۹/۳ درصد
- مشاجرات خانوادگی نگرانم کرده است: ۶۴/۶ درصد
- احساس گناهکاری می‌کنم و از عقوبت خدا می‌ترسم: ۶۳/۵ درصد
- معمولاً عصبانی هستم: ۶۱/۵ درصد
- احساس عدم موفقیت و شکست می‌کنم: ۵۰/۵ درصد
- اغلب بی‌قرار هستم و دلشوره دارم: ۵۰/۵ درصد

با توجه به این گونه مشکلات در دختران و پسران دبیرستانی، پدران و مادران چه وظایف و نقشهایی به عهده دارند؟ و فرزندان ما به چیزی نیاز دارند؟

اصل برخورد مثبت و مثبت فکر کردن

هنگامی که با نوجوان روبرو می‌شوید، سعی کنید با او برخورد مثبت داشته باشید، از کلمه‌ها و عبارتهای تشویق‌آمیز استفاده کنید و به دنبال نکات مثبت او باشید، نه عیب‌جویی و ایراد گرفتن. منظور این است که رفتارهای مطلوب فرزندان را تحسین کنید و توانایی‌های او را مدنظر داشته باشید و در مقابل از سرزنش کردن و خجالت دادن او پرهیز کنید.

هنگام روبرویی با یک مشکل یا مسأله رفتاری، همواره این نکته را در نظر داشته باشید که "مسأله در یک طرف و شیوه برخورد با مسأله در طرف دیگر قرار دارد."

ایجاد کنید که او بتواند آزادانه احساسات، اضطرابها و نگرانیهای خود را بدون احساس ترس و یا طرد شدن با شما در میان گذارد. در بررسی علل ناهنجاریهای عاطفی ملاحظه می‌شود که "عدم امنیت روانی" و یا احساس "ناامنی روانی" مهم‌ترین علت بروز ناهنجاریهای رفتاری و عاطفی به شمار می‌رود. شایان ذکر است که اکثر ناهنجاریهای رفتاری، عاطفی و اجتماعی "معلول" هستند. برای درمان یا اصلاح آنها باید به سراغ "علتها" رفت و "علتها" را باید در شیوه تربیت خانوادگی و نحوه ارتباط والدین با فرزندان جست و جو کرد. به طور معمول تحقیر کردن، سرزنش کردن، مقایسه کردن، داشتن انتظارات نابجا، دعوای خانوادگی و تنبیه کردن نوجوان به عنوان علتها، موجب ناامنی درونی یا آشفتگی عاطفی نوجوان می‌شود. این وضعیت تعادل حیاتی روانی نوجوان را مختل می‌سازد و او برای دستیابی مجدد به "تعادل حیاتی روانی" به رفتاری از قبیل لجبازی، پرخاشگری، شب‌اداری، دروغگویی، ناخن جویدن، اعتیاد و نظایر آن متوسل می‌شود. این بیت زیبا از حافظ به نیکی می‌تواند این وضعیت را تجسم ببخشد:

در اندرون من خسته دل ندانم کیست
که من خموشم و او در فغان و در غوغاست
یکی از مسائلی که موجب عدم امنیت روانی می‌شود، ستیزه‌های خانوادگی و انتظارهای نابجای پدر و مادر از فرزندان است. خانمها شهیم و باغبان (۱۳۷۳) در پژوهشی مقدماتی با استفاده از پرسشنامه حاوی ۱۱۲ پرسش بسته و پاسخ از ۱۹۱ دانش‌آموز دبیرستانی (۹۴ دختر و ۹۷ پسر) در دو ناحیه متفاوت اقتصادی و

دارد و در بهترین انسانها، آن قدر بدی هست که از چشم ما و شما پنهان می‌مانند و یا پنهان مانده‌اند. بنابراین شایسته نیست در جست‌وجوی خطاها و نقاط ضعف فرزندان باشید، بلکه مرفقیتهای، نقاط مثبت و توانایی‌های او را ببینید، مطرح کنید و یادآور شوید.

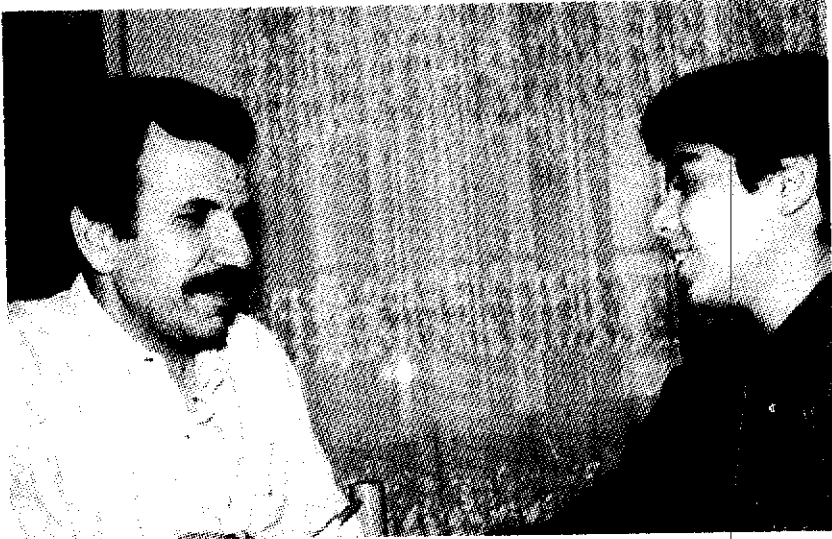
اصل برقراری ارتباط کلامی و عاطفی

تحقیقات متعدد نشان داده است که میان اعضای خانواده هر قدر ارتباط کلامی و عاطفی بیشتر باشد، روابط اعضای آن خانواده، سالم‌تر، با نشاط‌تر و محکم‌تر است. بنابراین توصیه می‌شود در هر فرصتی که پیش می‌آید، با فرزندان صحبت کنید و با او در یک فضای محبت‌آمیز، محرمانه و صمیمانه ارتباط کلامی و عاطفی برقرار کنید. برای این منظور پیشنهاد می‌شود به‌طور منظم، هر شب پیش از خواب، در کنار بستر او دقایقی بنشینید و در خلوت،

مفهوم این جمله این است که با یک مسأله واحد می‌توان به طرق گوناگون برخورد کرد و راه‌حل‌های متفاوتی عرضه نمود. بدیهی است هر شیوه برخورد، پیامدهای متفاوتی به دنبال خواهد داشت. یک پدر و یک مادر توانا و دانا کسی است که هنگام بروز یک مسأله، شکیبایی خود را حفظ کند، با متانت برخورد نماید و عاقلانه به دنبال راه حل برود. چه بسا یک برخورد درست و مثبت با مسأله مورد نظر در یک فضای صمیمانه و محرمانه (مانند طرح یک سؤال، علت‌شناسی وقوع یک رفتار نامطلوب، توضیح خواستن و تقاضای اطلاعات) به روشن و حل شدن مسأله منجر می‌شود.

اجازه دهید دیدار شما با نوجوان، خوشایند باشد و یک خاطره مثبت ایجاد کند. سعی کنید برخورد شما با فرزندان "آرامش‌بخش" باشد، نه "اضطراب‌آفرین"! نکته شایان توجه این است که در بدترین انسانها، آن قدر خوبی وجود





درباره علل بروز رفتارهایش و دلایل درستی یا نادرستی آنها سؤال کنید تا به این ترتیب، نوجوان به علل بروز رفتارهایش پی ببرد و در نتیجه در او رشد فکری و خودآگاهی ایجاد شود.

گاهی اوقات، در طول روز با فرزند نوجوان خود خلوت کنید و چند ساعت را با او بگذرانید (برای مثال دیدن یک فیلم سینمایی، در پارک قدم زدن، خرید رفتن، ورزش کردن و مشاهده یک مسابقه ورزشی). این وضعیت، فرصت خوبی است که فرزندتان با شما درد دل کند و احتمالاً درباره مسائل خصوصی و یا مسائل جنسی به طور مستقیم یا غیرمستقیم از شما سؤال کند.

نوجوان در دوره نوجوانی با مسائل و مشکلات گوناگون روبرو می‌شود. اگر والدین شناخت درستی از مسائل و مشکلات فرزند نوجوانشان نداشته باشند، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ اگر کانون خانواده، سرد و بی‌روح باشد، چه می‌شود؟ خانم مظلومی عقیلی

آرام، آرام با او حرف بزنید و از او بخواهید که با شما راز و نیاز کند، درباره مدرسه و درس و مشق و دوستانش، درباره فعالیتهای روزانه‌اش، درباره نگرانیها، خواستها و علاقه‌هایش، درباره احساساتش نسبت به اعضای خانواده و نظایر آن با شما حرف بزند و درد دل کند. در این موقعیت، فعالانه به حرفهای نوجوان گوش کنید و واکنشهای مناسب نشان دهید. در ابتدای صحبت به نوجوان آزادی کامل بدهید تا از هر جا که دلش می‌خواهد صحبتش را شروع کند. لازم نیست هر چه را که فرزند شما می‌گوید تفسیر کنید یا حرفهای او را تصحیح نمایید، بلکه او را تشویق کنید که حرف بزند و در صورت لزوم با او هم احساسی و هم دردی کنید.

همچنین در این موقعیت از نوجوان بخواهید که رفتارهای روزانه خود را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. ابتدا رفتارهای مطلوب و درست و سپس رفتارهای نامطلوب و نادرست او را با هم بررسی کنید. در ضمن صحبت، از او

نماید. نوجوان گاهی گوشه‌گیر می‌شود و کنج عزلت انتخاب می‌کند و گاهی به رفاقت و دوستی با دیگر نوجوانان رو می‌آورد و دوستی آنها به شیفتگی و وابستگی تبدیل می‌شود. سؤال عمده این است که آیا شما هم در مقام پدر و مادر به دامن افراط و تفریط می‌افتید؟ یا اینکه تلاش می‌کنید نوجوان را به سوی اعتدال هدایت کنید؟

برخی از افراد توصیه "بافرزندان خود دوست شوید" را به درستی فهمیده‌اند و دچار سوء تعبیر شده‌اند. آنها فکر می‌کنند برای دوست و نزدیک شدن با نوجوان باید با او همصدا و هم‌رنگ شوند و هر چه او خواست، آنها هم بخواهند و بدون قید و شرط با همه خواسته‌های وی موافقت کنند. در حالی که این شیوه دوست شدن درست نیست و باید نوجوان را با اصول، ارزشها، هنجارها، قواعد و واقعیتها آشنا کرد و دست او را گرفت و به سوی حقایق هدایت نمود.

سعی کنید با نوجوان بر اساس اصل اعتدال رفتار نمایید. ضمن آنکه به رعایت مقررات و انضباط تأکید می‌کنید و از فرزندتان می‌خواهید در عمل به آنها پای‌بند باشد، در صورت نیاز از اجرای مستبدانه آنها صرف نظر و اغماض کنید و دامن اعتدال را از دست ندهید. گاهی اوقات نوجوان در مقابل انضباط شدید مقاومت می‌کند و تمایل به سرپیچی و نافرمانی از خود نشان می‌دهد. در این شرایط باید از خود نرمش نشان دهید، به ریشه‌یابی این گونه رفتارها بپردازید و با اغماض و سعه صدر با او برخورد کنید.

(۱۳۷۳) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی علل فرار نوجوانان از خانه" به بررسی علل فرار از خانه سی و هشت نوجوان که حداقل برای یک بار از خانه گریخته‌اند، پرداخته است. پژوهشگر در این بررسی نشان داده است که چگونه یک خانواده آشفته و بحرانی، موجب می‌شود که نوجوان مطرود شود، تحقیر شود، مورد تنبیه جسمانی شدید قرار گیرد و سرانجام از خانه فرار کند. "فرار از خانه" پاسخ و واکنشی بارز و گویا به ستیزه‌ها، طردها، مجادله‌ها و ترسهاست که به شکل اعتراض و انتقام‌جویی و ابراز خشم و نفرت در مقابل آشفتگی‌های خانوادگی و بی‌عدالتی‌های حاکم بر خانواده و جامعه بروز می‌کند. اگرچه وابستگی عاطفی و اقتصادی نوجوان به خانواده موجب می‌شود که اکثر نوجوانانی که خانه را ترک کرده‌اند، پس از چشیدن طعم تلخ دوری از خانه و خانواده، پس از چند ساعت یا چند روز با وساطت دیگران یا خود با شرمساری و سرافکنندگی، بدون میل باطنی به همان کانون بحرانی و پرتلاطم باز گردد، اما ما نمی‌دانیم واکنش و برخورد والدین با این گونه نوجوانان چگونه است؟! و نمی‌دانیم که در آینده چه خواهد شد؟! شاید برخی از آنها را سرانجام در کانون اصلاح و تربیت ملاقات کنیم!؟

اصل پرهیز از افراط و تفریط

شما در امر تربیت و تعلیم فرزندتان چگونه عمل می‌کنید؟ آیا گاهی بسیار سخت‌گیر و گاهی بسیار سهل‌گیر هستید؟ نوجوان در این دوره گاهی می‌خواهد به طور افراطی خود را با محیط سازگار کند و گاهی در اندیشه این است که به طور تفریطی محیط را با خود سازگار